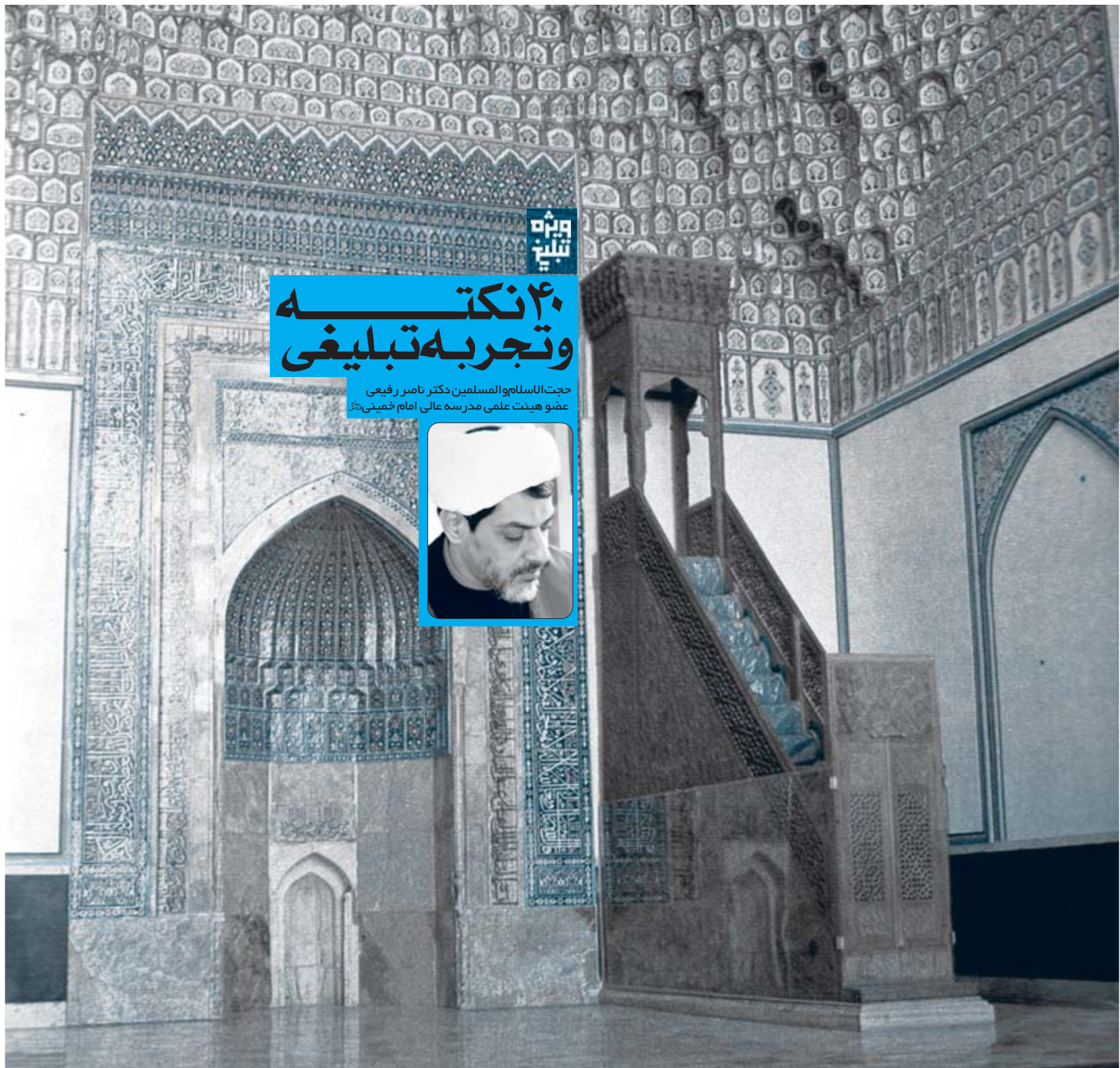


ویژه
تعلیم

۴۰ نکته و تجربه تبلیغی

حجت الاسلام والمسلمین دکتر ناصر رفیعی
عضو هیئت علمی مدرسه عالی امام خمینی (ره)





● مقدمه «وَمَنْ أَحْسَنُ قَوْلًا مِّمَّنْ دَعَا إِلَى اللَّهِ وَعَمِلَ صَالِحًا وَقَالَ إِنِّي مِنَ الْمُسْلِمِينَ»

در میان ابزار گسترده و فراگیر تبلیغ در عصر کنونی، رسانه منبر یکی از شیوه‌های کهن و مؤثر در رساندن پیام دینی به مردم است. علی‌رغم فرود و صعودهایی که این عرصه شاهد آن بوده، همچنان اصالت، قداست و جایگاه رفیع خود را حفظ نموده است، توده مردم بیش‌تر معارف دینی خود را از طریق منبر و مجالس وعظ و خطابه دریافت می‌کنند تا ادیان کتب و استدلالات پیچیده، هنر مبلغ و سخنران، کار آمد کردن عمیق‌ترین مباحث دینی و ارائه ساده آن به مردم است، منبر بستر مناسب برای طرح عقاید صحیح و زدودن شبهات و خرافات است، منبر فرصت طلایی و بی‌بدیلی است که در پرتو آن آگاهی‌های لازم به مردم ارائه می‌شود تا سره را از ناسره جدا کنند.

نتیجه سخن استوار و محکم به تعبیر قرآن کریم اصلاح همه اعمال و جبران خطاهای گذشته است. «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَقُولُوا قَوْلًا سَدِيدًا؛ يُصْلِحْ لَكُمْ أَعْمَالَكُمْ وَيَغْفِرْ لَكُمْ ذُنُوبَكُمْ»

در طول تاریخ پر فراز و نشیب انقلاب اسلامی شاهد شکل‌گیری نهضت از مساجد، تجهیز جبهه‌ها، مقابله با ضدانقلاب، کمک‌رسانی به زلزله‌زدگان و آوارگان رسیدگی به امور مردم و ده‌ها خدمت دیگر از طریق مساجد بوده‌ایم. فرصت‌های مناسبی مانند محرم و رمضان بهره‌برداری از وعظ و خطابه را چندین برابر می‌کند. در زمانی که دشمن همه ابزارهای تبلیغی را علیه دین به کار گرفته و با تولید ده‌ها سایت، سی‌دی، فیلم مبتذل و شبهه‌افکنی اعتقادات مردم به ویژه جوانان را نشانه رفته است، نباید از ظرفیت منبر در مقابله با این هجمه‌ها غافل شد. آن‌چه در این تجربیات ذکر می‌شود چینش و ترتیب خاصی ندارد. گر چه درهم است، اما در بر دارنده نکاتی

است که طی صدها منبر یا گفت‌وگو با اهل منبر و استفاده از محضر بزرگان به دست آمده است، امید است مفید فایده باشد.

دامنه بحث محدود ولی عمیق باشد

۱. نقل روایات و آیات زیاد روی منبر بدون تحلیل، تأمل و تکرار لازم، مخاطب را خسته می‌کند، لازم است یک محور خاص شکافته شود تا ده‌ها محور ناقص و ابتر گذاشته شود، اگر بحث مثلاً حیات مطرح می‌شود زیر مجموعه‌های فراوانی دارد ریشه‌های حیات، عوامل حیات اقسام حیات، آثار حیات، همه این عناوین در یک منبر نمی‌گنجد. اگر یک جلسه سخنرانی داریم مهم‌ترین بحث را مطرح کنیم به بقیه اشاره نکنیم، اگر چند جلسه در اختیار ماست، در هر جلسه به گوشه‌ای از مطالب بپردازیم.

پنج آیه و حدیث، دو حکایت تاریخی و داستان

۲. حاشیه‌پردازی پیرامون یک مطلب واضح سزاوار نیست، برخی ۱۰ جلسه پیرامون توبه صحبت می‌کنند یا یک منبر را از ابتدا تا پایان به یک روایت با الفاظ و کلمات مترادف سپری می‌کنند، چنین سخنرانی هیچ مطلبی را دستگیر مخاطب نمی‌کند. حداقل ۵ آیه و حدیث، دو تاریخ و داستان، سی درصد پردازش و ارائه در هر منبر باشد.

همه جا یک نسخه جواب نمی‌دهد

۳. نوع سخنرانی‌ها با توجه به تفاوت مخاطب، زمان، مکان و شرایط متفاوت می‌شود. سخنرانی ۱۰ دقیقه فرصت در یک دبیرستان، آن هم در مراسم صبحگاهی دارد، نباید به مقدمه و خطبه طولانی و مباحث فراخ‌دامن بپردازد. با توجه به مخاطب جوان و محصل و بعضاً بدبین و گاهی مخالف، یک مطلب جذاب و کوتاه و

نو را ارائه کند، با شعر یا حکایتی جا بیاندازد و رد شود، گاهی شرایط به عکس است، مسجد و شب عاشورا و مردم مختلف، اقتضای سخنرانی مفصل، با مقدمه و روضه دارد، نمی‌تواند یک نسخه برای همه مراجعان صادر کرد، واقعا در برخی فضاها نباید روضه خواند، یا به حداقل اکتفا کرد. فرق است بین مستمعی که خود آمده یا او را آورده‌اند، فرق است بین شنونده مجلس ختم که منتظر است هر چه زودتر تمام شود تا برود یا شنونده‌ای که صبح جمعه برای گوش دادن و ماندن آمده است. سخنران بایستی بتواند موضوع واحد را در ۵ دقیقه پیاده کند یا در ۵۰ دقیقه تبیین نماید.

حتماً با مطالعه منبر بروید

۴. گشودن حوزه‌ها، موضوعات و طرح‌های نو در منبر یک ضرورت است، امروز در دور افتاده‌ترین روستاها هم چند دانشجو یا فارغ‌التحصیل دانشگاه وجود دارد، نمی‌توان صرفاً مطالب تکراری آن هم از یک منبع عادی یا غیر معتبر را مطرح نمود، هر منبر حداقل ۴ الی ۵ ساعت مطالعه، تنظیم و دسته‌بندی می‌خواهد. آن قدر فضاهای جدید و خالی وجود دارد که نیازی به تکرار نیست. تفسیر قرآن، تبیین روایات، تحلیل تاریخ، بیان مشکلات اخلاقی و ارائه راهکارهای آن، منابع را به سوی کاربردی شدن پیش می‌برد.

ارائه محکم‌ترین مطالب در ساده‌ترین قالب

۵. رسانه منبر بایستی، عرضه مطالب پژوهشی، علمی، عمیق، مستند و صحیح با بیان روان و ساده باشد، هنر مبلغ آن است که محکم‌ترین مطالب را در ساده‌ترین قالب ریخته و برای مردم با سلاقی مختلف ارائه کند. گاهی منبری بودن قسیم عالم بودن خواننده می‌شود، به همین دلیل بعضی بزرگان و شخصیت‌های علمی نیز از حضور در این صحنه استنکاف دارند. منبر نباید صحنه طرح رویاهای بی‌پایه، مطالب جعلی و ضعیف، داستان‌های بی‌اساس، خرافات و در یک کلام



مطالعه پیرامون یک منبر بایستی بسیار گسترده‌تر از سطح ارائه به مردم باشد، به عبارت دیگر در حد فهم مخاطب مطالعه نکنیم

عوام‌زدگی باشد.

طرح منبر (مانند طرح درس) داشته باشید

پراکندگی مطالب در منبر بدون انسجام و دسته‌بندی، مخاطب را دچار سردرگمی و تحیر می‌کند، موضوع منبر از اول باید اعلام شود، چارچوب بحث مشخص باشد، به عبارت دیگر سخنران مانند طرح درس، یک طرح منبر داشته باشد. کاملاً تنظیم کند در ۳۰ دقیقه برای هر سر فصل و عنوان چه میزان وقت در نظر گرفته است، طبق همان طرح با درصد کمی اختلاف پیش رود.

سوژه متناسب با مخاطب و اقتضای منطقه

سوژه و موضوع منبر بهتر است با توجه به مشکلات هر جامعه، شهر و منطقه ایجاد شود. یکی از دوستان می‌گفت: سخنرانی را دیدم در کوچه‌های محل تبلیغ قدم می‌زند و با کاسب‌ها صحبت می‌کند، پرسیدم چه می‌کنی؟ گفت: منبر می‌سازم، می‌خواهم بینم مشکلات این مردم چیست. گاهی مطالبی طرح می‌شود که یا اصلاً رابطه‌ای با مخاطب و فضا ندارد، یا نتیجه معکوس می‌دهد. گفتند شخصی در بیت یکی از مراجع، در ایام محرم، در حرمت شراب و زبان‌های آن صحبت می‌کرد. آیا در بیت مرجعیت جای پرداختن به این بحث است؟! سخنرانی در روستایی چند شب در مورد بداء و نسخ سخن گفت، چه نیازی به طرح این بحث در جامعه روستایی است. دیگری در جمع حافظان قرآن از ثواب قرائت قرآن و یادگیری آن می‌گفت. آیا جا دارد افرادی که حافظ قرآن‌اند، هر روز چند جزء می‌خوانند تا ملکه حفظ از دست نرود، در یادگیری و قرائت صحبت شود؟! سوژه سخنرانی بایستی متناسب با مشکلات و اقتضات هر مکان تبلیغی تهیه شود.

جامع‌نگری

جامع‌نگری در مباحث منبر یک ضرورت است، به عنوان مثال اگر در جلسهای در مورد احترام والدین

صحبت می‌شود، اشاره‌ای هم به احترام فرزند داشته باشیم، اگر از زهد می‌گوییم، اشاره‌ای به بهره‌برداری صحیح از دنیا و ثروت هم بنماییم، تا در ذهن مخاطب شبهه ایجاد نشود.

شبهه‌افکنی ممنوع

شبهه‌افکنی بدون پاسخ یا ایجاد تردید در منبر، لغزش بسیار مهمی است. بعضاً بحثی با تفصیل مطرح می‌شود، اما با یک تردید افکنی همه زحمات‌ها هدر می‌رود. در صورتی که ضرورتی ندارد به آن شبهه اشاره شود، مگر آن که پاسخ شایسته ارائه شود.

یکی از اساتید نقل می‌کرد شخصی در مشهد منبر رفت و شروع به تعریف از امام جماعت نمود، او را فاضل، با سواد، مؤمن، با تقوا و... معرفی کرد، در پایان گفت

(اما این که می‌گویند بهایی است درست نیست، من تحقیق کردم دروغ است!)

مردم به هم نگاه کردند، عجب! مگر بهایی است، همه مطالب و تکریم‌ها زیر سؤال رفت، اگر سخنران پیرامون یک دعا ۱۰ شب صحبت می‌کند، شب آخر بگوید اما (این دعا که گفته‌اند سندش ضعیف است یا جعلی است، گر چه سند دارد و این اتهام وارد نیست)

همین عبارت ضعیف سند و جعلی بودن در ذهن مخاطب می‌ماند. البته معنای این حرف آن نیست که حقایق را نکوییم، فضا را بسنجیم، اگر هم قرار است وارد شویم، درست نقد کنیم و پاسخ بدهیم، طرح بسیاری از مطالب مناسب فضای منبر نیست، باید در مجامع خصوصی به چالش کشیده شود.

مقاومت تا حصول نتیجه

کار تبلیغی دیر ثمر است سخنران نباید هرگز مأیوس شود حتی اگر مبلغ با تمسخر و استهزاء مواجه شد باید مقاومت کند، تا نتیجه بگیرد.

به مباحثی که تسلط دارید بپردازید

سخنران به مباحثی بپردازد که برای خودش هضم شده است. در غیر این صورت مخاطب را دچار سردرگمی می‌کند. فردی که تسلط بر فلسفه ندارد، اگر خواست وجود خدا را از طریق براهین فلسفی ثابت کند بیشتر شبهه آفرینی می‌کند تا روشن‌گری.

مباحث تخصصی و مشابه را طرح نکنید و با خوب تحلیل کنید

مباحث تخصصی و مشابه روی منبر یا مطرح نشود و یا خوب تحلیل شود. ضرورت ندارد در هر بحثی به این جوانب پرداخته شود. فراموش نمی‌کنم فاضلی ارجمند در حال سخنرانی پیرامون ریا گفت: ریا در توسلیات اشکالی ندارد، حرام نیست. فقط در تعبدیات جایز نیست، او توضیحی پیرامون توسلی و تعبدی ارائه نکرده، منبر که تمام شد شخصی آمد به بنده گفت: این چه حرفی بود ایشان زد و گفت ریا در دعای توسل مانعی ندارد. ملاحظه کنید او چه گفته و این چه فهمیده است!

جنبه‌های مثبت را بیش تر ببینید

منفی‌نگری و دائم بر نقاط ضعف دست گذاشتن یکی از آسیب‌های سخنرانی است. اگر بگوییم جوان‌ها نماز نمی‌خوانند، دانشجویان از دین‌گريزانند، اختلاف خانوادگی زیاد است، دروغ در کسب فراوان است، این‌ها نادیده گرفتن جنبه‌های مثبت است. باید از واژه‌هایی با بار ارزشی استفاده کرد، مثلاً جوانان فطرت پاکسی دارند، به دین علاقه مندند، برخی بی‌توجهی می‌کنند، به عبارت دیگر باید از نیکی‌ها تجلیل کرد و بدی‌ها را برجسته نکرد. امام سجاده علیه السلام می‌فرماید: خدایا مرا توفیق بده در نشر خوبی‌ها و پوشاندن بدی‌ها، «افشاء العارفة و ستر العائبة»

کلر تبلیغی
دیر ثمر است
سخنران نباید هرگز
مأیوس شود حتی اگر مبلغ
با تمسخر و استهزاء مواجه
شد باید مقاومت کند، تا
نتیجه بگیرد.

استفاده مناسب از عناوین و القاب

۱۴: باید توجه داشت به قشری یا گروهی توهین نشده یا نادیده گرفته نشود، سخنرانی مرتب می‌گفت: عباس افسر رشید کربلا، درجه داری اعتراض کرد، چرا دائم از واژه افسر استفاده می‌کنید؟ مگر درجه‌داری رتبه نیست؟!

مطالب تحریک‌آمیز و حساسیت‌زا ممنوع

۱۵: در نقل‌های تاریخی و وقایع، به گونه‌ای عمل شود که تحریک‌آمیز نباشد و به ملیت یا منطقه خاصی توهین نشود. در جمع دانشجویان خارجی که برخی از کشور آفریقا بودند، شخصی در نقل روضه غلام سیاه در کربلا به گونه‌ای عبارت اللهم بیض وجهه را معنی کرد که گویا رنگ سیاه نقص و عیبی محسوب می‌شود، یا در مدح بلال یا لقمان گفته شد علیرغم سیاه چهرگی به چنین جایگاهی رسیدند. یا برخی، داستان یا لطیفه‌ای را به شهری نسبت می‌دهند که حساسیت برمی‌انگیزد، باید به این عوارض توجه داشت.

مزاح به اندازه

۱۶: مزاح و لطیفه روی منبر باعث لطافت و تنوع است، اما باید توجه داشت برخی شوخی‌ها از منبری‌های جوان ناپسند است، یا جو جلسه و مخاطب اقتضای آن را ندارد، یا شرایط فراهم نیست. به ویژه اگر طنز مشتمل بر کلمات مستهجن و قبیح باشد، ممکن است خوشایند چند نفر باشد، اما عموم نمی‌پسندند. علی‌علیه می‌فرماید: «ایاک و مستهجن الکلام فانه یوغر القلوب؛ پرهیز از الفاظ زشت که در دل‌ها کینه را شعله‌ور می‌کند.»^۲

موضوع بحث را تحت تأثیر مخاطب عوض نکنید

۱۷: از عذرخواهی زیان‌بخش و کوچک کردن خود روی منبر پرهیزیم، برخی وقتی بر کرسی منبر

می‌نشینند به دلیل احساس رعب و اضطراب از کلماتی مانند (بخشید، جای من نیست، شما بالاترید، وقت مطالعه پیدا نکردم، مزاحم شدم) استفاده می‌کنند و روحیه خود را خراب می‌کنند، روایت هم داریم. «ایاک و ما یعتذر منه فان المؤمن لایسیء و لا یعتذر و المنافق کل یوم یسی و یعتذر؛ پرهیزید از عذرخواهی کردن همانا مؤمن خطا نمی‌کند و عذرخواهی نمی‌کند. اما منافق هر روز خطا می‌کند و عذر می‌تراشد.»^۳ سخنران باید همه مخاطبین را در موضوع مورد بحث خودش مبتدی فرض کند، فکر کند برای اولین بار این مطالب را ارائه می‌کند. هیچ‌گاه بحثی را که قبلاً در نظر گرفته روی منبر تحت تأثیر مخاطب عوض نکند.

نقدها عام و فراگیر نه به گروه یا افراد خاص

۱۸: از انتقاد یا اهانت به شخص یا قشر، گروه و حزب خاصی پرهیزیم، اگر نقدی هم داریم عام و فراگیر باشد، بالاخره هر فرد یا گروه پیروانی دارد. اگر گفته شود مثلاً نانوایان چنین هستند یا تهرانی‌ها یا مشهدی‌ها چنین عمل می‌کنند، تأثیر منفی دارد. رسول خدا ﷺ همیشه در صحبت و تذکر خطا در افراد، تعمیم می‌دادند، نام شخص را نمی‌برد و می‌فرمود: «ما بال اقوام یصنعون کذا و یقولون کذا ینهی عنه و لا یسمی فاعله»^۴

تکیه کلام خاص ممنوع

۱۹: سخنران نباید تکیه کلام داشته باشد، افرادی مکرر در سخنرانی یک واژه را تکرار می‌کنند، مانند به‌هرحال، بله، به اصطلاح و ...

از عوامل حواس‌پرتی مخاطبین پرهیز شود

۲۰: از عوامل حواس‌پرتی مخاطب پرهیز شود، گاهی شکل عمامه، لباس، تسبیح، دستمال، حرکت زیاد دست، دائم به عینک و لباس و صورت دست زدن

حواس مخاطب را پرت می‌کند.

نام بردن از شخصیت‌ها چگونه باشد؟

۲۱: اگر در جلسه شخصیت‌های مختلف هستند، امکان نام بردن نیست یا القاب مختلف است، انسان نمی‌داند آیت‌الله بگوید، حجت‌الاسلام بگوید، مسؤولیت‌های افراد را دقیق نمی‌داند، بهتر است یا اشاره نشود یا کلی بگوید شخصیت‌ها و بزرگان حضور دارند، از همه آنان تقدیر می‌شود.

به امام جماعت مسجد احترام گذاشته شود

۲۲: اگر سخنرانی در مسجدی است، حتماً قبل از منبر، عرض ارادت‌ی به امام جماعت بشود، حتی نام برده شده یا تشکر گردد.

مناسبت ایام و مکان‌ها رعایت شود

۲۳: مناسبت ایام و امکان رعایت شود. فراموش نمی‌کنم روحانی کاروانی کنار قبر حجرین عدی در دمشق، احکام و شکایات نماز گفت و هیچ اشاره‌ای به شخصیت حجر و داستان او نکرد. مردم توقع دارند آن‌جا اشاره‌ای به حادثه مربوط به آن مکان بشود.

نام‌ها و عناوین را صحیح تلفظ کنید

۲۴: تلفظ صحیح کتب، اعلام و اشخاص بسیار مهم است، گاهی همه منبر را زیر سؤال می‌برد، نوار منبری را برای ارزیابی به بنده دادند، مطالبی را از کتاب مروج‌الذهب مسعودی نقل می‌کرد، اما مرتب اسم کتاب را اشتباه می‌گفت مروج‌الذهب، یا شخصی در نقد عقاید فروید، او را فروید می‌خواند، حتماً قبل از منبر، تلفظ صحیح اسامی، اشخاص، کتب، اعلام، امکان، علاوه بر آیات و روایات کنترل شود.

نقل حکایات تاریخی مستند باشد

۲۵: در نقل داستان‌های تاریخی هرگز به مسموعات اکتفا نکنیم، داستانی را که روی منبرها یا از مردم





شنیده‌ایم، بر اساس شنیده‌ها نقل نکنیم، حتماً به مصدر اصلی مراجعه کنیم، گر چه گوینده مورد اعتماد باشد.

از تلفظ الفاظ مشکل بپرهیزد واژه جایگزین بگذارد

۲۶. از اداء الفاظ مشکل و متشابه که ممکن است با جا به جایی یک حرف واژه زشتی ادا شود یا خنده حاضرین را برانگیزد دوری کنیم، مانند آسوشیتدپرس، یا میکروسکوپ، کوالا میور، آکسیس کارل و... .

اگر شک دارید اشاره تکنید

۲۷. در نقل‌ها، تردید راه ندهیم، اگر شک داریم اشاره نکنیم، سخنرانی می‌گفت: صفیه خاله یا عمه پیامبر ﷺ، اگر شک داریم، اصلاً اشاره به نسبت او نکنیم، بگوییم صفیه، زیرا این تردید از ماست نه تاریخ.

مرز ارزش‌ها و ضد ارزش‌ها رعایت شود

۲۸. در نقل ارزش‌ها یا ضد ارزش‌ها، مرزها را رعایت کنیم، اگر از بدی کبر می‌گوییم، به جایگاه عزت هم توجه بدهیم. مرز کبر و عزت تعیین شود، صبر و سازش، اسراف و جود، قناعت و بخل، توکل و تبلی به هم نزدیک هستند، باید به حدود و ثغور هر کدام توجه داد، اگر اهمیت قناعت را مطرح می‌کنیم، ترویج بخل نشود.

همه‌جانبه‌نگری در تبلیغ ضروری است

۲۹. همه‌جانبه‌نگری در تبلیغ امری ضروری است، اگر سخنران همه همت خود را در سرزنش و توبیخ به کار گیرد، در کيفر و عذاب و جهنم و صعوبت‌ها سخن بگوید، باعث وحشت، یأس و فرار مردم می‌شود. اگر دائم هم به شفاعت و ثواب ادعیه و سوره، بدون تحلیل، بپردازد، مخاطب بی‌پروا می‌شود، باید با توجه به نیاز مردم، همه جوانب را در نظر گرفت، حضرت علی (علیه السلام) می‌فرماید: «الافراط فی الملامة یشب نار اللجاجة؛ زیاده‌روی در سرزنش، آتش لجاجت را بر می‌انگیزد.»

رعایت سطح و درجه

۳۰. رعایت سطوح و درجات ضروری است، هرگز نباید در منبر بزرگان دین را سبک شمرد یا در مقام نصیحت و تذکر به مراجع و استوانه‌ها برآمد. اگر قرار هست مطلبی هم ارائه شود با رعایت کمال احترام و تکریم، تقدیم شود.

وارد جناح بندی‌های سیاسی نشوید

۳۱. دفاع از اصل نظام، ولایت فقیه، امام و رهبری، کبان جمهوری اسلامی یک ضرورت است. اما سخنران نباید در جناح‌بندی‌های سیاسی و خطی وارد شود.

پرهیز از عوام‌زدگی

۳۲. مطالعه پیرامون یک منبر بایستی بسیار گسترده‌تر از سطح ارائه به مردم باشد، به عبارت دیگر در حد فهم مخاطب مطالعه نکنیم، اگر قرار است پیرامون آیه‌ای

صحبت شود همه جوانب بحث دقیق مطالعه شود، گر چه امکان طرح سی درصد آن برای مردم باشد، به عبارت دیگر منبری عوام‌زده نشود، همیشه عمیق مطالعه کند.

مصیبت، کم، صحیح و مناسب، متناسب با بحث

۳۳. در نقل مصائب اگر صوت مناسبی نداریم، تکیه

به صوت روضه نخوانیم، مردم از سخنران توقع مداحی ندارند، این کار به اهلهش واگذار شود، مصیبت کم، صحیح و مناسب خوانده شود، البته اگر بتوان بین بحث و مصیبت تناسب ایجاد کرد، خوب است. مثلاً اگر بحث از صبر است، روضه صبر امام حسین (علیه السلام) خوانده شود.

دقت در نقل مطالب عرفانی و...

۳۴. در صورتی که از زندگی عرفا و تندیس‌های

بندگی مانند مرحوم شیخ رجب‌علی خیاط، مرحوم دولابی و دیگران جریاناتی نقل می‌کنیم، توجه داشته باشیم یک فصل جدیدی غیر از کتاب و سنت نگشاییم. به گونه‌ای موضوع مطرح شود که مردم بدانند بسیاری از این حالات قابل تعمیم نیست، افراد فکر نکنند همه می‌توانند مانند کربلایی کاظم حافظ قرآن شوند تا فراگیری قرآن و حفظ آن را کنار بگذارند یا تشویق به برخی اعمال شوند که جنبه شخصی دارد و هر کسی ظرفیت آن را ندارد.

توجه به بچه‌ها، جوانان و نوجوانان

سخنران در نقل داستان‌ها یا طرح مباحث باید توجه به سطح بچه‌ها، نوجوانان و جوانان داشته باشد، اگر در مورد نکاح یا طلاق یا زنا یا آداب زناشویی سخن می‌گوید مطالبی را مطرح نکند که تحریک‌آمیز و سؤال‌برانگیز باشد.

نقل آیات و روایات با مراجعه به سند

در نقل آیات و روایات تکیه بر حافظه دیرینه و بایگانی نشود. حتماً قبل از منبر به متن آیه و روایت مراجعه شود، به عبارت دیگر آیات و روایات را با قواعدی که روی منبر به ذهن می‌رسد، قرائت نکنیم. سخنران مشهوری را دیدم در منبر، روایتی را قرائت کرد، از ابتدا تا آخر منبر روی همین روایت صحبت شد، چند بار هم قرائت شد، اما فاعل را مفعول خواند و به همین شکل هم معنا کرد، بعد از منبر تذکر دادم و فرمودند: من مراجعه نکرده بودم روی منبر فکر کردم این کلمه به نصب خوانده و معنا شود بهتر است. چنین برداشتی علمیت منبر را زیر سؤال می‌برد.

چگونه تذکر بدهیم

امر و نهی آنی در مجلس پسندیده نیست، گرچه لازم باشد، اما اگر عمل نشود سخنران تحقیر می‌شود.

اگر توجه شود شاید مجلس به هم بریزد، به عنوان مثال اگر وسط منبر ملاحظه شد شیرینی یا چای بخش می‌شود نگوید شیرینی ندهید، چای ندهید، یا بچه‌ها را بیرون ببرید، پرده را بردارید، با اعلام یک صلوات می‌توان آهسته به کسی در کنار منبر تذکر را منتقل کرد.

توجه به برداشت‌های منفی از سخنان

در بیان زندگی بزرگان باید توجه نماییم برداشت منفی نشود، اگر گفتیم فلان عالم سال‌ها در نجف هر چه نامه آمد زیر تشک گذاشت، مطالعه نکرد و درسش را خواند، وقتی تصمیم گرفت برگردد نامه‌ها را گشود ملاحظه کرد اشخاصی از نزدیکانش مرده بودند، اشخاصی از دواج کرده بودند، خوشحال شد که با خبر نشده و درسش را خوانده است، نقل چنین جریانی بدون توجیه لازم ممکن است در ذهن مخاطب این شبهه را ایجاد کند که مگر به صلح رحم توصیه نشده، روابط اجتماعی چه می‌شود؟! آیا یک دانشجو یا طلبه باید کاملاً از خانواده‌اش بی‌اطلاع باشد، لوازم سخن را باید توجه داشته باشیم.

مطالب دسته‌بندی، اما روخوانی از کاغذ ممنوع

بہتر است سخنران از یادداشت و نوشته استفاده مستمر نکند، البته لازم است مطالب منبر دسته‌بندی شده روی یک فیش یا کاغذ نوشته شود و همراه سخنران باشد، قابل ذکر است دسته‌بندی مطالب و منقح بودن آن به فهم مخاطب کمک می‌کند.

ساختار محتوایی منبر

هر منبر باید مشتمل بر آیه محوری اول بحث، مقدمه کوتاه، متن، نتیجه و خاتمه باشد. ابتدا یک آیه مربوط به بحث قرائت شود، سپس مقدمه‌ای کوتاه در رابطه با موضوع ارائه شود، در بخش متن که اصلی‌ترین

قسمت منبر است، مطالب تبیین شود، ذکر داستان‌های مرتبط و غیر تکراری و تاریخ‌هایی که کمتر شنیده شده، تأثیر و فهم مطلب را سریع‌تر می‌نماید، در پایان نیز لازم است جمع‌بندی و نتیجه‌گیری ارائه شود، منبر نباید از فضای نیاز مخاطب خارج باشد.

به عبارت دیگر حتماً در هر منبر باید بخشی از مشکل مخاطب حل شود و راهبردی ارائه شود، مستمع وقتی برخواست تأثیر بپذیرد، فقط نگوید خوب صحبت کرد، ملاک ارزیابی منبر علاوه بر خوب اجرا شدن، میزان تأثیر گذاردن روی مخاطب و هدایت او نیز هست. خیلی سخنرانی‌ها خوب ارائه می‌شود، اما مانند یک صحنه تئاتر و نمایش است. مخاطب را جذب می‌کند، اما آیا بی‌نماز را نماز خوان می‌کند؟ بدحجاب را با حجاب می‌کند؟ احترام والدین و حسن خلق و بردباری می‌آورد؟ مانع حرام خواری می‌شود؟

امیرالمؤمنین (علیه السلام) صفات متقین را برای هشام ذکر نمود، او فریادی زد و بر زمین افتاد. امام فرمود: «هكذا تصنع المواعظ البالغه باهلها». وقتی پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) می‌کرد اشک از چشم اصحاب جاری می‌شد، همان‌جا تصمیم بر ترک گناه و بندگی خدا می‌گرفتند. هنر مبلغ کاستن از ناهنجاری‌ها و ردآیل و پرورش کرامت‌های اخلاقی در مردم است، توده مردم باورهای دینی و معارف خود را بیشتر از طریق منبر دریافت می‌کنند تا استدلالات پیچیده، سلاح کلام از سلاح شمشیر و جنگ برنده‌تر است.

پی‌نوشت‌ها:

۱. فصلت/۳۳.
۲. احزاب/۷۰ و ۷۱.
۳. غررالحکم، ج ۱، ص ۱۵۰.
۴. تحف العقول، ص ۱۷۹.
۵. کحل البصر، شیخ عباس قمی، ص ۶۶.

